

**Original Paper**    **Analysis of allegory and allegorical metaphor in Saadi**

Nazanin Baharvand<sup>1</sup>, Masoud Sepahvandi<sup>2\*</sup>, Ghseem Sahrai<sup>3</sup>

**Abstract**

Analysis of allegory and allegorical metaphor in Saadi' sonnets Abstracts:, Allegorical metaphor, which is considered as one of allegorical types , is one of the main topics of rhetoric and controversial topic that has always turned the minds of rhetoricians to conduct research in this area, so today the research process in this area has become more active and extensive and the research shows that the allegorical metaphor, as one of the most expressive type of metaphors considered to be compound imagery, is mixed with other literary subjects, so in some rhetorical books, allegorical metaphor and allegory, which means assimilation and comparison one thing with another as one thing because the allegory is an extended metaphor. Allegorical metaphor, which is one of the most useful rhetorical tools in Saadi's poetry, has been used on different occasions and in different ways to convey the message. Allegory and allegory have had a special place in the poems of ancient poets, but so far there has not been a complete and separate research on this subject in Saadi's sonnets. Therefore, in this research, which was carried out with a descriptive and analytical method, while defining allegory and allegory, and giving examples to clarify the matter, after answering questions such as the use of allegory and allegory in Saadi's ghazals, and which one is more frequent? The results of the analysis show that allegory is used more than allegory in Saadi's ghazals.

**Key words:** allegory-allegorical metaphor- Saadi's poetry – metaphor



1- PhD Student in Persian Language and Literature, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. nazaninbaharvand1394@gmail.com

2- Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. s.sepahvandi@khoiav.ac.ir

3- Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Lorestan, Lorestan University, Iran. zghasem.sahrai@yahoo.com

**Please cite this article as (APA):**

Baharvand, Nazanin, Sepahvandi, Masoud, Sahrai, Ghseem, (2024). Analysis of allegory and allegorical metaphor in Saadi. *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature Studies Quarterly*, 15(58), 20-38.

 Creative Commons: CC BY-SA 4.0	
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------

**Publisher:** Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 58/ Winter 2024

**Receive Date:** 01-09-2023

**Accept Date:** 10-11-2023

**First Publish Date:** 11-12-2023

## مقاله پژوهشی بررسی تمثیل و استعاره تمثیلیه در غزلیات سعدی



نازنین بهاروند<sup>۱</sup>، مسعود سپهوندی<sup>۲</sup>، قاسم صحرائی<sup>۳</sup>

چکیده

استعاره تمثیلیه که از انواع تمثیل به شمار می‌رود از موضوعات اصلی بلاغت و مبحثی بحث بر انگیز است که ذهن بلاغیون را همیشه به خود معطوف کرده است تا در این حوزه به پژوهش بپردازند به گونه‌ای که امروزه روند پژوهش در این حیطه فعال‌تر و گسترده‌تر شده است و پژوهش‌ها نشان دهنده‌ی آن است که استعاره تمثیلیه که از رساترین انواع استعاره است و مجاز مرکب شمرده می‌شود، با دیگر موضوعات ادبی در هم آمیخته است به طوری که در برخی کتب بلاغی استعاره تمثیلیه و تمثیل که (به معنی مثل آوردن و شبیه کردن چیزی به چیز دیگر است) را یکی دانسته‌اند زیرا تمثیل استعاره‌ی گسترش یافته است. استعاره‌ی تمثیلی که از کارآمدترین ابزارهای بلاغی در شعر سعدی است به مناسبت‌های مختلف با شیوه‌های مختلف برای ابلاغ پیام از آن استفاده کرده است. تمثیل و استعاره‌ی تمثیلیه در اشعارشاعران قدیم تاکنون از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است ولی تاکنون تحقیقی کامل و مجزا با این موضوع در غزلیات سعدی به رشته تحریر در نیامده است. پس در این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده ضمن تعریف تمثیل و استعاره‌ی تمثیلیه و بیان مثال‌هایی جهت روشن سازی مطلب، در پی پاسخ گویی به سوالاتی همچون کاربرد استعاره‌ی تمثیلیه و تمثیل در غزلیات سعدی چگونه و بسامد کدام یک بیشتر است؟ که نتایج حاکی از تحلیل نشان می‌دهد که تمثیل در غزلیات سعدی بیشتر از استعاره‌ی تمثیلیه به کار رفته است.

کلید واژه: تمثیل، استعاره تمثیلی، غزلیات سعدی، استعاره

- ۱- دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران nazaninbaharvand1394@gmail.com  
 ۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران s.sepahvandi@khoiav.ac.ir  
 ۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، لرستان، دانشگاه لرستان، ایران، zghasem.sahrai@yahoo.com

لطفاً به این مقاله استناد کنید:		
بهاروند، نازنین، سپهوندی، مسعود، صحرائی، قاسم، (۱۴۰۲). بررسی تمثیل و استعاره تمثیلیه در غزلیات سعدی. فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی (۵۸)، ۱۵، ۲۰-۳۸.		
		
حق مؤلف © نویسنده‌گان.		
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره پنجاه و هشتم / زمستان ۱۴۰۲ / از صفحه ۳۸-۲۰		
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۰	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۹	تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰

**مقدمه:**

استعاره یکی از موضوعات اصلی بلاغت است و همیشه ذهن بلاغیون را به خود معطوف کرده است و محققان این حوزه به پژوهش درباره ی آن پرداخته اند این شیوه اخیراً پویا تر شده و محققان از زاویای مختلفی آن را بررسی کرده اند. تحقیق در جوانب استعاره نشان دهنده ی آن است که پژوهشگران گاهی اضلاع آن را با دیگر مباحث بلاغی در هم آمیخته اند و از جمله مباحثی که در این حوزه با موضوعات دیگر در آمیخته استعاره ی تمثیلیه است و در اثر کتاب های بلاغی مبحث استعاره تمثیلیه یا تمثیل در هم آمیخته شده است. تمثیل یکی از شگردهای برجسته بلاغی در ادبیات و استعاره ی تمثیلی از مقوله های علم بیان و زیر مجموعه ی استعاره است. از نظر سخنوران اروپایی از استعاره به عنوان ملکه ی تشبیهات مجازی یاد شده است این آرایه در شعر سعدی در انواع مختلف ( استعاره ی مفهومی و تمثیلیه و ... ) به کار گرفته شده و زیبایی خاصی به کلام شاعر بخشیده است سعدی معمولاً افکار عالی را به شیوه ی تمثیل بیان می کند و در هر تمثیل هم غرض خاصی دارد. تمثیل دو رویه دارد یک رویه آشکار و یک یا چند رویه پنهان که خواننده با تفکر و دقت در رویه آشکار به رویه پنهان یا رویه های تمثیلی که معمولاً حاوی نکته های اخلاقی یا طنز اجتماعی یا سیاسی است، پی می برد. تمثیل استعاره ی گسترش یافته است. تمثیل و استعاره مفاهیم روحانی و روان شناسی یا مفاهیم عقلانی و انتزاعی را به زبان مادی و ملموس بیان می کنند. زبان تمثیلی از زیر مجموعه های زبان شعر و آفریننده ی تمثیل، و تمثیل بیان مستقیمی است که بر تشبیه بنا شده است. سعدی در بیان و به کار بردن استعاره ی تمثیلیه و تمثیل این درون مایه را برای پر بار ساختن سخن خود و ابزاری برای تسلط بر زبان فارسی به کار گرفته است و با استفاده از تمثیلات و استعارات و استعاره ی تمثیلیه بیش از آنکه به جنبه ی زیبایی سخن توجه کند جهت بیان اغراض حکیمانه و پند و اندرز و هشدار استفاده کرده است. در این مقاله که به بررسی استعاره تمثیلی و تمثیل در غزلیات سعدی پرداخته ایم که در آغاز به طور اجمالی به توصیف مسئله پرداخته ایم و هدف خود را از تمثیل و استعاره ی تمثیلیه بیان کرد. و نظریات بزرگان را در رابطه با تمثیل و استعاره ی تمثیلیه بیان کرده ایم. سپس در مورد موضوع تحقیق پیشینه ای ارائه داده ایم که تاکنون در خصوص تمثیل و استعاره تمثیلیه در غزلیات سعدی کاری انجام نشده است و در ادامه روش تحقیق و اهداف و اهمیت موضوع را بیان کرده و سعی شده به طور مفید و خلاصه به بررسی تمثیل و استعاره تمثیلیه پرداخته شود. سپس غزلیات را بر مبنای موضوع تحقیق مورد بررسی قرار داده و ابیاتی که در آنها سعدی از تمثیل و استعاره تمثیلیه بهره برده است را استخراج کرده و سپس به تحلیل و توضیح آنها پرداخته شده است.

### بیان مسئله

استعاره از اساسی ترین وجوه زبان تخیلی، و عنصری کانونی در فرایند ارتباط شمرده می شود و همین اهمیت کانونی تعریف آن با زبان انتزاعی را دشوار می سازد. تمثیل یکی از شگردهای بلاغی در ادبیات و زیر مجموعه تشبیه و استعاره تمثیلی از مقوله های علم بیان و زیر مجموعه استعاره است. استعاره را همواره اصلی ترین شکل زبان مجازی دانسته اند. زبان مجازی یعنی زبانی که مقصودش همان نیست که می گوید. (هاوکس، ۱۳۷۷: ۱۲).

از گذشته تاکنون استعاره از زوایای گوناگون بررسی شده است به طوریکه در روزگار ما پژوهشگرانی مانند لیکاف و جانسون با طرح نظریه ی مفهومی استعاره را از مسائل اصلی حوزه ی شناختی و تفکر انسانی دانسته اند.

استعاره تشبیه یکی از انواع تمثیل فشرده است و تمثیل خود از مباحث مهم در بلاغت قدیم و جدید است و در اشعار شاعران قدیم تاکنون از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است. استعاره تمثیلیه که آن را مجاز مرکب به استعاره نیز گویند جمله ای است که در آن غیر معنای خود استعمال شده باشد به علاقه ی شباهت؛ و وجه شبه صورتی است که از امور متعدد انتزاع شده است (همایی، ۱۳۷۴: ۱۹۰)

استعاره تمثیلیه، تمثیل یا استعاره است. بعضی آن را استعاره یا تمثیل دانسته اند. به طوریکه تفتازانی مجاز مرکب را به دو بخش تقسیم کرد: ۱- تمثیل علی سبیل استعاره ۲- تمثیل و عقیده دارد اگر وجه شبه گرفته از چند چیز باشد تمثیل است. پس این تمثیل که استعاره است با آن تمثیل که تشبیه است اشتباه می شود هرچا تمثیل بدون قید بود مراد آن همین تمثیل علی الاستعاره است (تفتازانی، ۱۳۷۵: ۳۶۴) در حالی که مازندرانی معتقد است استعاره تمثیلیه بدون هیچ قیدی تمثیل است و آن را علی سبیل الاستعاره می گویند (مازندرانی، ۱۳۷۶: ۲۹۷)

در کتاب های قدیم از تمثیل در مباحث تشبیه مرکب و استعاره تمثیلیه سخن گفته شده است در حالی که در نقد جدید تمثیل زیر مجموعه مبحث تصویر و خیال است و خود تمثیل به انواعی تقسیم گردیده است که استعاره تمثیلیه یکی از انواع آن است. (درک، هنرمند، سردهی و امیداحمدی، ۱۴۰۰)

بنابراین مساله اصلی در پژوهش پیش رو آن است که به بحث و بررسی پیرامون تمثیل و استعاره تمثیلیه بپردازد. این جستار در پی پاسخ به این پرسش است که تمثیل و استعاره تمثیلیه در غزلیات سعدی چگونه باز نمایی شده است و شاعر برای این معانی انتزاعی از چه حوزه های معنایی قابل درک و ملموسی بهره گرفته است. باتوجه به این مساله "تمثیل و استعاره ی تمثیلیه" در غزلیات سعدی

را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در این زمینه ضمن تحلیل غزلیاتی از سعدی در مورد تمثیل و استعاره تمثیلیه تلاش شده است که بر اساس اطلاعات به دست آمده از این کار، بسامد و کاربرد تمثیل و استعاره ی تمثیلیه را در تبیین مفاهیم مورد نظر سعدی بررسی نماییم.

سوالات پژوهش پیش رو را می توان این گونه مطرح کرد:

۱- کاربرد استعاره ی تمثیلی در غزلیات سعدی به چه اندازه و به چه معناست؟

۲- جایگاه تمثیل در غزلیات سعدی چگونه است؟

۳- بسامد استعاره ی تمثیلیه و تمثیل در غزلیات سعدی چگونه است؟

براین اساس می توان فرضیه های زیر را مد نظر قرار داد:

۱- سعدی در بیان و به کار بردن استعاره ی تمثیلی این درون مایه را به صورت مفهومی برای پر بار ساختن سخن خود و اظهار مهارت و ابراز تسلط بر زبان فارسی به کار برده است.

۲- بیشترین نمود های کاربرد تمثیل در غزلیات سعدی به شیوه های متنوع و به اقتضای کلام صورت پذیرفته است.

۳- سعدی در شعرش به وفور از تمثیل استفاده کرده و استفاده از تمثیل نسبت به استعاره ی تمثیلی از بسامد بالایی برخوردار است.

### اهمیت و ضرورت تحقیق:

در زمینه تمثیل و استعاره ی تمثیلیه پژوهش های زیادی انجام گرفته اما تاکنون پژوهش مستقلی با این نام در غزلیات سعدی انجام نشده است. در این پژوهش سعی شده است تا با بررسی تمثیل و استعاره ی تمثیلیه در شعر سعدی (غزلیات) دریچه ای نو به روی ادب دوستان گشوده شود.

### پیشینه پژوهش

درخصوص پیشینه این پژوهش باید اشاره نمود درباره تمثیل و استعاره تمثیلیه آثار بسیاری اعم از پایان نامه کتاب ها و مقاله نوشته شده است و از مهمترین و معتبرترین تحقیقاتی در که حوزه ی انواع تمثیل منتشر شده است به موارد زیر اشاره کرد «بررسی تمثیل فشرده در غزلیات حافظ» (هنرمند، عشقی سردهی و امیراحمدی ۱۴۰۰)، «حکایات تمثیلی در بوستان (پروین تاج بخش، تابستان ۱۳۸۴)، «تشبیه تمثیل و استعاره ی تمثیلیه در کتب بلاغی» (دکتر احمدرضایی جمکرانی، ۱۳۹۴)

«تمثیل (ماهیت، اقسام، کارکرد)» از فتوحی، نگارنده در این پژوهش، تعاریف بلاغیان قدیم و جدید از تمثیل را مورد کاوش قرار داده و با بیان تفاوت‌های آن با استعاره و نماد، قلمروهای تمثیل را مشخص کرده است (ر.ک: فتوحی، ۱۳۸۴).

«تمثیل و تصویری نو از کارکردها و انواع آن» شیری (۱۳۸۹)، در این تحقیق از انواع تمثیل یک تقسیم‌بندی جدیدی عرضه شده است. «تمثیل، تصویر یا صنعت بدیعی؟».

«بررسی کارکرد تمثیل در آثار ادبی تعلیمی» وفایی و آقابابایی، یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که کاربرد فراوان تمثیل در آثار ادبی تعلیمی حاکی از ارتباطی دوسویه میان تعلیم و تمثیل است به گونه‌ای که گوینده با تمثیل، بر مفاهیم اخلاقی که غالباً مطلبی معقول و غیرحسی‌اند تأکید کرده، است. (ر.ک: وفایی و آقابابایی، ۱۳۹۲).

با توجه به مرور تحقیقات قبلی، مشخص شد که هیچ‌یک از این آثار به‌طور کامل به بررسی استعاره تمثیلی در غزلیات سعدی شیرازی اشاره نشده و ضرورت دارد که در این باره تحقیق و پژوهشی مستقل انجام گیرد.

### روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه سند کاوی بر اساس گزینش غزلیاتی از سعدی است که در آن‌ها تمثیل و استعاره تمثیلی به صورت بیشتری مورد توجه قرار گرفته است.

هدف اصلی این پژوهش بررسی اشعاری از غزلیات سعدی است که در حوزه تمثیل و استعاره تمثیلیه بیشتر مورد توجه شاعر قرار گرفته است و دیگر اینکه بررسی نگرش سعدی نسبت به مفاهیم تمثیل و استعاره تمثیلیه چگونه است.

#### ۱. تعریف استعاره:

استعاره همواره یکی از مباحث کتب بلاغی بوده است و اهمیت آن بد آنجاست که بعضی از صاحب‌نظران از آن به عنوان یکی از ارکان اصلی شعر یاد می‌کنند. «استعاره مصدر باب استعفال به معنی عاریه گرفتن و عاریه خواستن چیزی است و در اصطلاح علم بیان، عاریه گرفتن لفظ از معنی حقیقی و موضوع له و استعمال آن در معنی مجازی و هنری به علاقه شباهت با وجود قرینه‌ی صارفه است» (گلی، ۱۳۸۷: ۱۴۹)

واژه (metlaphora) استعاره از واژه یونانی metlaphora گرفته شده است، از meta به معنی «فرا» و pherein به معنای «بردن». مقصود از این واژه دسته خاصی از فرآیندهای زبانی است که در آن جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر فرا برده یا منتقل می‌شوند به نحوی که از شیء دوم به گونه‌ای سخن می‌رود که گویی شیء اول است. «استعاره را همواره اصلی‌ترین شکل مجازی زبان دانسته‌اند زبان مجازی یعنی زبان که مقصودش همان نیست می‌گوید» (هاوکس، ۱۳۸۰: ۱۲-۱۱).

ارسطو نخستین کسی است که از استعاره سخن گفته است او استعاره را عبارت می‌داند از کاربرد نامی و نامانوس در مورد چیزی که به آن نام شناخته نیست. اغلب گفته می‌شود که ارسطو استعاره را زینت کلام می‌دانست و نه جنبه‌ی ذاتی و ضروری آن، یعنی بیشتر به عنوان جانشین سبک شناختی به آن نگاه می‌کرد. در فن خطا به می‌گوید: «آنچه در بیشتر عبارات‌های بلاغی انگیزه‌ی مسرت است منشاء آن استعاره است و مقداری ابهام و پیچیدگی که مخاطب بعداً آن را در می‌یابد». (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۱۱۱)

«منظور ارسطو از نام غریب و نامانوس، در تعریف استعاره کلمه‌ای است که به طور معمول دلالت بر چیزی دارد ولی برای توصیف و یا توضیح کلمه‌ای دیگر که از لحاظ لغوی بر آن چیز دلالت نمی‌کند استفاده می‌شود منظور از چیز ممکن است هر شیء فیزیکی یا انگاره‌ی انتزاعی و احساسی باشد» (قاسم زاده، ۱۳۹۰: ۲)

«استعاره ابزاری زبان شناختی است که براساس تمثیل، مفهوم انتزاعی در آن بیان می‌شود» (قاسم زاده، ۱۳۹۰: ۹)

به هر تقدیر روشن است

تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من      هیچ کس می‌نپسندم که به جای تو

(خطیب، ۱۳۷۱: ۳۸۱)

سرو: استعاره از معشوق بلند قامت و میان فضای خلوت بودن قرینه‌ی آن می‌باشد.

سعدی حجاب نیست تو آینه پاک دار      زنگار خورده چو بنماید جمال دوست

(همان/۷۹)

آینه استعاره از دل

یکی درخت گل اندر میان خانه ماست      که سروهای چمن پیش قامتش پسند

(همان/۳۳۵)

تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، زمستان ۱۴۰۲، (ش. پ: ۵۸) ۲۷

درخت گل استعاره از یار خوش قد و قامت و میان خانه بودن قرینه ی صارفه آن است.

می حرام و لیکن تو بدترین نرگس مست      نگذاری که زیشت برود هشیاری

(همان/۸۱۶)

نرگس مست: استعاره از چشم خمار آلود.

تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من      هیچ کس می نپسندم که به جای تو

(خطیب رهبر، ۱۳۷۱: ۳۸۱)

سرو استعاره از قامت معشوق

یکی درخت گل اندر فضای خلوت ماست      که سروهای چمن پیش قامتش پسند

(همان، ۳۳۵)

درخت گل: استعاره از یار خوش قد و قامت و میان فضای خلوت بودن قرینه ی صارقه آن می باشد.

تو را که این همه بلبل نوای عشق زنند      چه التفات بود بر ادای منکر زاغ

(همان، ۵۱۰)

زاغ: استعاره از مدعی پست خو

دل می تپد اندر بر سعدی چو کبوتر      زین رفتن و باز آمدن کبک خرامان

(کلیات سعدی، ۱۳۸۷: ۵۸۱)

کبک خرامان استعاره از یار خوشخرام

#### استعاره تمثیلی:

استعاره تمثیلیه آن است که جمله ای به علاقه ی مشابهت در غیر معنای اصلی اش مورد استفاده قرار می گیرد در استعاره ی تمثیلیه وجه شبه از امور متعدد حاصل می شود و علاقه با تاملی عقلی دریافت می گردد مثلاً می گوییم. و «فلانی آب در هاون می کوبد» واقعا منظور ما آب در هاون کوبیدن نیست، بلکه به دلالت عقلی متوجه معنای انجام عمل بیهوده می شویم.



استعاره تمثیلیه با کنایه این تفاوت را دارد که در استعاره ی تمثیلیه قرینه ی عقلی وجود دارد یعنی جمله در معنای حقیقی آن فهمیده نمی شود حال آنکه در کنایه هیچ گونه قرینه ای نیست و ممکن است جمله را در معنای حقیقی آن نیز بفهمیم مثلاً سپر افکندن، کنایه از تسلیم شدن است اما امکان دارد کسی واقعاً سپر خود را به زمین بیندازد.

«استعاره تمثیلیه و مثل هم این تفاوت را با هم دارند که مثل جمله ای به درجه شهرت رسیده و زبانزد مردم شده است، مانند: «آفتاب به گل اندودن» اما استعاره تمثیلیه درجه شهرت و مردمی شدن مثل را ندارد». (قاسمی، ۱۳۸۷: ۴۸۲-۴۸۱) استعاره ی تمثیلیه، عبارت از تشبیه تمثیل است، یعنی تشبیهی که وجه شبه آن، منتزاع از متعدد باشد نظیرش از عربی، چنانکه با کسی که در امری، متردد باشد که گاهی عزم شروع در آن کار کند و گاهی فسخ عزیمت کند، گویی «اراک تقدم رجلاً توخر آخری»، یعنی می بینم تو را که پایی پیش می گذاری و پایی پس (فندرسکی، ۱۳۸۱: ۴۹).

بعضی از بلاغیون استعاره تمثیلی را همان استعاره ی مرکب دانسته اند و به تفاوت‌های میان این دو توجه خاصی نکرده اند چنانچه شمیسا معتقد است «که به استعاره ای مرکب، استعاره ی تمثیلیه هم می گویند اما بهتر است که اصطلاح استعاره ی تمثیلی را در مورد به کار ببریم که استعاره ی مرکب جنبه ی ارسالی المثل یا ضرب المثل داشته باشد. یعنی ماخوذ از تشبیه تمثیلی باشد مثل «مهتاب» به گر پیمودن که استعاره ی تمثیلی از عمل لغو و ناممکن است». (شمسیا، ۱۳۸۶: ۲۰۱)

استعاره تمثیلیه: «استعاره ی آمیغی (مرکب) که آن را استعاره ی تمثیلی می نامند، استعاره ای است که در آن، مستعار جمله است نه واژه» (کزازی، ۱۳۶۸: ۲۷)

بر روی هم اغلب ضرب المثل در مقوله ی استعاره ی مرکب یا تمثیلیه قرار می گیرد و نیز هر جا که مجموعه اموری مورد نظر باشد، یعنی مجموعه معانی یک جمله را که از نظر لغوی مفهومی خاص دارد - انتقال دهیم به موردی غیر از مفهوم لغوی آن - «هر استعاره تمثیلی یا مرکب که شهرت پیدا کند به گونه ی مثل در می آید، و امثال قابل تغییر دادن نیستند و از نظر طرز به کار بردن در مفرد و جمع و شکل های دیگر قابل تغییر نیستند و در عین همان مورد اصلی که به وجود آمده به کار می روند». (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۵: ۱۱۷-۱۱۶)

### تمثیل:

صنعت تمثیل که به آن ارسال المثل هم می گویند آن است که گوینده یا شاعر یا نویسنده در لابه لای سخن یا شعر یا نوشته ی خود متلی بیاورد. سعدی در این صنعت می گوید. «عاکفان کعبه جلالش به

تقصیر عبادت معترف که : ما عبدناک حق عبادتک : و اصفان حلیه ی جمالش به غیر تحیر منسوب که :  
ما عرفناک حق معرفتک. هم او می گوید: حالی که من این گفتم داخل گل بریخت و در دامنم آویخت  
که : «الکریم وعدوفی» اوهمچنین می گوید : «در پادشاهی را دیدم به کشتن اسیری اشارت کرد بیچاره  
در آن حالت نومیدی ملک را دشنام دادن گرفت و سقط گفتن» که گفته اند: هر که دست از جان  
بشوید هر چه در دل دارد بگوید... ملک پرسید چه می گوید ؟ یکی از وزاری نیک محضر گفت....

وزیر دیگر که ضد او بود گفت ..... این ملک را دشنام داد و ناسزا گفت ملک روی از سخن درهم  
آورد وگفت : آن دروغ وی پسندیده تر آمد مرا از این راست که تو گفتی .... و خردمندان گفته اند:  
دروغی مصلحت آمیز به که راستی فتنه انگیز. (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۸۳)

تمثیل در لغت به معنی مثل آوردن و تشبیه کردن چیزی به چیز دیگر است در فرهنگ لغت دهخدا  
ذیل واژه تمثیل می خوانیم که در علاقه ی شباهت چون میان دو جمله باشد آن را تمثیل می گویند.  
(دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۹۷۰)

تمثیل شاخه ای از تشبیه است و از همین رهگذر است که عنوان تشبیه تمثیلی هم در کتاب های  
بلاغت فراوان دیده می شود. یکی از قدیم ترین مواردی که از مفهوم تمثیل بی آنکه به این نام اشارت  
شود، یاد شده، «نقدالشعر قدامه بن جعفر» است که آن را از جمله اوصاف «ائتلاف لفظ و معنی» قرار  
داده و گفته است : « و آن عبارت از این است که شاعر خواسته باشد به معنایی اشارت کند و سخنی  
بگوید که بر معنای دیگر دلالت کند، اما آن معنای دیگر و سخن او، مقصود و منظور اصلی او را نیز  
نشان دهد. ابن رشیق تمثیل را از شاخه های استعاره می داند و می گوید(تمثیل در نظر بعضی، از  
مماثله است و آن چنین است که چیزی را به چیزی تمثیل و همانند کسی که در آن اشارتی باشد،  
همچنین می گوید : تمثیل و استعاره از مقوله ی تشبیه اند، جز اینکه ادات و ابزار تشبیه در آنها وجود  
ندارد و در اسلوب اصلی تشبیه قرار ندارند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۵: ۷۹-۷۶)

ساختار ضرب المثل بدین نحو است دو جمله را بدون ذکر ارات تشبیه به یکدیگر تشبیه کنند و مشبه  
به ضرب المثل باشد (شمسیا، ۱۳۸۳: ۱۰۹)

غم عشق آمد و غم های دیگر پاک ببرد      سوزنی باید کز پای برآرد خاری  
( خطیب رهبر، ۱۳۷۱: ۸۱۶ )

غم عشق، غم های دیگر را از بین می برد و این بدان می ماند که سوزن (غم عشق) خار (غم های دیگر) را از پا در آوردیم.

ای پادشاه سایه ز درویش وامگیر      ناچار خوشه چین بود آنجا که خرمن است  
( کلیات سعدی، ۱۳۸۷: ۴۶۴ )

شاعر در مصراع نخست پایه های تشبیه را از بن برافکنده است تا او را همچون پادشاه و خود را همچون «درویش» نخواند بلکه در «همانی» هنری او را خود پادشاه و خود را عین درویش بدانند. آرایه ی تمثیل که به گونه ی تمثیل استدلالی . در مصراع دوم آمده است بر وجه هنری بیت افزوده و آن را برکشیده است. ساخت کنایی و سایه وا گرفتن در کارکردی هنری به کمک عوامل دیگر زیبایی آفرینی آمده و به آراستگی بیت کمک کرده است.

شمسیا برای تمثیل چهار معنا عنوان کرده است :

۱- تمثیل به عنوان یک ژانر ادبی مثل کلیله و دمنه در مفهوم قدیم و در داستانهای کافکا در مفهوم جدید که به این دومی به اعتبار اجزای آن سمبولیک می گویند.

۲- تمثیل در مقابل سمبل که امثال کادن می گویند، وضعی و اختیاری است. در این صورت تمثیل از اجزای حکایت تمثیلی است

۳- تمثیل در ادبیات سنتی که مصراع یا بیتی است برای اثبات مطلب معقولی که در مصراع یا بیت گفته شده، بکار می رود.

۴- تمثیل بیانی که یا به صورت تشبیه تمثیل است یا استعاره تمثیل. اگر این دو نوع را بسط بدهیم تبدیل به حکایت بلند تمثیلی می شود. (شمسیا، ۱۳۸۶: ۲۴۵-۲۴۴).

### ساختار استعاره تمثیلی:

در ساختار استعاره تمثیلی با مشبه سرو کار نداریم بلکه در مواردی با مشبه به سر و کار داریم و رابطه الزاماً نمی تواند براساس مشابهت باشد بلکه ممکن است براساس لازمیت برقرار شده باشد و در استعاره‌ی تمثیلیه بار معنایی بر دوش جمله‌ی واحدی است و محقق باید با تعمق و تفکر آن را پیدا کند. در استعاره‌ی تمثیلیه تاکید بر جمله‌ی ای است که در معنای ثانوی کاربرد دارد. در استعاره با جمله‌ی ای رو برو می شویم که دارای دو ساختار معنایی است اما معنای نخست به هیچ وجه کاربردی نیست مثلاً در جمله‌ی «گره بر آب زدن» کسی نمی تواند حقیقتاً گره بر آب بزند و این استعاره تمثیلیه است. صاحب انورالبلاغه معتقد است: «در استعاره‌ی تمثیلیه لفظ مرکبی است مستعمل در غیر موضوع له، ترکیبی به سبب علاقه‌ی مشابهت در هیاتی متنوع از متعدد جهت مبالغه در تشبیه، چنانکه گفته شد به شخصی که متردد بود باشد در کاری دواعی آن سبب متوجه کردن او شود و متعاقب آن به اعتبار به موانع از آن باز ایستند» انی اراک تقدم رجلا وتوخر اخری» چه این ترکیب موضوع است از برای بیان تردد در مشی، به اعتبار آنکه گاهی متوجه رفتن می شود و پایی پیش می گذارد و گاهی از رفتن پشیمان می شود و پا پس می گذارد، و در این جا مستعار شده از برای اظهار تردد او در کاری دیگر و وجه شبه اقدام اوست بر فعلی و بعد از آن باز ایستادن از آن که هیاتی متنوع از چند چیز است و این را استعاره تمثیلیه از آن جهت می گویند که تشبیهی که در ضمن او تشبیه تمثیلی است و تشبیه تمثیلی آن است که وجه شبه هیاتی بوده باشد متنوع از متعدد» (مازندرانی، ۱۳۷۶: ۲۹۷)

بنا بر آنچه از تعریف استعاره‌ی تمثیلیه دریافت می شود بهترین راه شناخت آن قراردادنش در کنار کنایه است که اگر هر دو معنی جمله دارای کاربرد و مورد استفاده باشد کنایه ولی اگر فقط یک معنی از جمله مورد نظر ما کاربرد داشته باشد استعاره تمثیلیه است.

۱- گنجشک بین که صحبت شاهینش آرزوست بیچاره بر هلاک تن خویشتن عجول

(کلیات سعدی، ۱۳۸۷: ۵۴۵)

بیت استعاره تمثیلیه دارد و در توضیح آمده است حال عاشق را در آرزوی وصل جانان تشبیه کرد به حال گنجشک که صحبت شاهین را آرزو می کند سپس کلام مخصوص مشبه به را استعمال کرد در مشبه

۲- غم عشق آمد و غم های دگر پاک ببرد سوزنی باید کز پای بر آرد خاری

(خطیب رهبر، ۱۳۷۱: ۸۱۶)

غم عشق، غم های دیگر را از میان می برد و این بدان می ماند که با سوزن (غم عشق)، خار (غم های دیگر) را از پا درآوریم.

۳- جور رقیب و سرزنش اهل روزگار با من حکایت گاو و دهل زن است

(کلیات سعدی، ۱۳۸۷: ۴۶۴)

عمده ترین عامل انگیزش هنری در این بیت تمثیل است که با کارکرد هنری خود بی تفاوتی راوی عاشق را در برابر جو رقیب و سرزنش اهل روزگار برجسته می کند.

۴- آواز دهل نماند در زیر گلیم و عشق پنهان

(خطیب رهبر، ۱۳۷۱: ۶۵۸)

استعاره تمثیلیه دارد دهل زدن در زیر گلیم کاری غیر ممکن و این نکته را بیان می کند که عشق را نمی توان پنهان کرد.

۵- سعدی چون به میوه می رسد دست سهل است جفای بوستانبان

(خطیب رهبر، ۱۳۷۱: ۶۵۸)

دست رسیدن به میوه استعاره از به کام رسیدن

حال که می توانم کام جویی کنم و به آرزوی خود رسیده ام تحمل جفای یار آسان است.

این تمثیل بیانگر بی اعتنائی به دشواریهای رسیدن به وصال است.

۶- خدنگ غمزه از هر سو نماند انداختن سپر انداختن عقل از دست ناوک های خونریز تاکی

(کلیات سعدی، ۱۳۸۷: ۶۴۴)

سپر انداختن عقل: کاری غیر ممکن و استعاره تمثیلیه دارد و اینکه استعاره از شکست و ناتوانی عقل و ناوک (مژه های خونریز هم در ظاهر امری واقعی نیست).

سرو چمن پیش اعتدال تو نیست است روی تو بازار آفتاب شکسته است

(کلیات سعدی، ۱۳۸۷: ۴۵۶)

استعاره تمثیلیه: بازار آفتاب شکسته: رونق و ارزش چیزی از بین رفتن

و عمل شکستن برای آفتاب غیر ممکن است.

مرا پلنگ به سرپنجه ای نگار نکشت تو می کشی به سرپنجه نگارینم

(خطیب رهبری، ۶۲۶)

استعاره تمثیلیه: عاشق که در برابر پنجه ی پلنگ تاب آورد. (کاری غیر معقول و غیر ممکن) در برابر پنجه نگارین بار تسلیم شده و جان باخته است. و این هم با اغراق همراه است.

بگرد بر سرم ای آسیای دور زمان  
بهر جفا که توانی سنگ زیرینم

(همان ۶۲۶)

سنگ زیرین آسیا بودن: تحمل کردن ستم ها و در صبر و بردباری سنگ آسیا شدن که غیر ممکن بودن را می رساند که کسی سنگ آسیا شود.

منه دل بر سرای عمر سعدی  
که بر گنبد نخواهد ماند این گوز

(خطیب رهبر، ۱۳۷۱: ۴۶۱-۴۶۰)

دریغا عیش اگر مرگش نبودی  
دریغ آهو اگر بگذاشتی یوز

تمثیل: قرار نگرفتن گردو بر گنبد وقتی که با ناپایداری عمر مرتبط باشد

منه به جان تو بار فراق بر دل ریش  
که پشه ای نبرد سنگ آسیایی

(کلیات سعدی، ۱۳۸۷: ۴۴۴-۴۴۳)

پشه ای که می خواهد سنگ آسیا را حمل کند/عاشق را به پشه تشبیه کرد. حمل کردن سنگ آسیا توسط پشه غیر ممکن است پس استعاره تمثیلیه

نسیم باد صبا بوی یار دارد  
چو باد خواهم از این پس به سوی او پیمود

(خطیب رهبر، ۱۳۷۱: ۳۷۳)

باد پیمودن: استعاره تمثیلیه کارهای بیهوده: باد پیمودن کاری غیر ممکن است.

به یادگار کسی دامن نسیم صبا  
گرفته ایم و دریغا که باد در چنگست

(همان/ ۱۱۰)

باد در چنگ: استعاره تمثیلیه زیرا در حالت عادی و در معنی حقیقی کسی نمی تواند باد در چنگ داشته باشد.

نیک خواهانم نصیحت می کنند  
خشت بر دریا زدن بی حاصلست

(همان/ ۱۱۲)

خشت بر دریا زدن : استعاره تمثیلیه از کارهای بیهوده / زیرا معنای ظاهری آن خشت را بر دریا زدن را نمی توان پذیرفت

به صبر خواستم احوال عشق پوشیدن  
دگر به گل نتوانستم آفتاب اندود  
(همان / ۱۳۷۴)

آفتاب به گل اندودن: استعاره تمثیلیه و امری محال و غیر ممکن.

قلب رقیق چند بپوشد حدیث عشق  
هر چه آن به آبگینه بپوشی مبین است  
(کلیات سعدی، ۱۳۸۷ : ۴۶۵)

قلب رقیق سعدی همچون شیشه ای روشن و شفاف است که چیزی در آن نمی تواند پنهان بماند  
«تمثیل آبگینه» افشای عشق را توجیه می کند.

شیرین به در نمی رود از خانه بی رقیب  
داند شکر که دفع مگس باد بیژن است

مصراع دوم تمثیل دارد

علامت از دل سعدی فرو نشوید عشق  
سیاهی از حبتی چون رود که خود رنگ است .  
(خطیب رهبر، همان / ۱۱۰)

برای بی تاثیر بودن علامت عاشق تمثیل «عشق مثل سیاهی رنگ ساهیبوست است، که باشستن از بین نمی رود، را آورده است».

دل من نه مرد آن است که با غمش بر آید  
مگسی کجا تواند که بیفکند عقابی  
(همان / ۷۶۰)

بیت تمثیل دارد. مگس (ناتوان) نمی تواند عقاب را شکست دهد.

دل همچو سنگ، ای دوست، به آب چشم سعدی عجب است اگر نگردد، که بگردد آسیایی  
(همان / ۷۶۰)

آب دیده آسیایی را بگردش در آوردن : امری غیر ممکن است (استعاره تمثیلیه )

گوی را گفتند کای بیچاره سر گردان مباش  
گوی مسکین را چه تاوان است چوگان را بگوی  
(همان / ۹۱۹)

تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، زمستان ۱۴۰۲، (ش. پ: ۵۸) ۳۵  
تمثیل دارد: وضع متناقض و مضحک نصیحت کننده بی اطلاع و نصیحت شنونده بی اراده را بیان می کند.

حصار قلعه باغی به منجیق مده                      به بام قصر برافکن کمند گیسو  
(کلیات سعدی، ۱۳۸۷: ۶۴۱)

گیسو بر بام افکندن و از قصر بالا رفتن کاری محال و غیر ممکن استعاره تمثیلیه  
مقدار یار هم نفس چو من نداند هیچ کس                      ماهی که برخشک افتد قیمت بداند آب را  
(همان/۱۴)

مصرع دوم تمثیل دارد قدر عافیت کسی داند که به بلایی مبتلا شده است.  
پنجه با ساعد سیمین نه به عقل افکندم                      غایب جهل بود مشت زدن سندان را  
(خطیب، ۱۳۷۱: ۲۹)

روز آزمایی با بازوی نقره گون او خرمندانه نبود کاری بیهوده و عبث  
امیدم هست اگر عطشان نمیرد                      که باز آید به جوی رفته آبی  
(خطیب، ۱۳۷۱: ۷۶۱)

مصرع دوم تمثیل دارد.  
چنین بگویم از این پس که مرد بتواند                      در آب دیده ی سعدی شناوری آموخت  
(خطیب / ۵۱)

آب دیده استعاره از اشک و شنا کردن در اشک امری محال و همراه با اغراق است پس استعاره ی  
تمثیلیه دارد.

صبر بسیار نباید پدر پیر فلک را                      تا دگر ما در گیتی چو تو فرزند بزاید  
(خطیب، ۱۳۷۱: ۴۰۷)



در مصراع اول و دوم نمی توان معنای ظاهر آن ها را قبول کرد و اینکه بتواند فرزند به دنیا بیاورند بلکه معنای پنهان شده ی آنها مد نظر می باشد و قابل قبول است که آن را استعاره ی تمثیلیه می خوانیم

جانا دلم چو عود برآتش بسوختی      وین دم که می زنم زغمت مجمرست  
(خطیب رهبر، ۱۳۷۱: ۹۹)

دل سوختن امری غیر ممکن است که درظاهر نمی توان دل را سوزاند بلکه معنای ثانوی آن که آزار و اذیت کردن می باشد، مد نظر است.

نیک خواهانم نصیحت می کنند      خشت بر دریا زدن بیحاصلست  
(خطیب رهبر، ۱۳۷۱: ۱۱۲)

خشت بر دریا زدن در معنی ظاهر خود به کار نرفته بلکه در معنای ثانوی یعنی کارهای بیهوده غیر ممکن به کار رفته پس استعاره تمثیلیه است.

با ساربان بگوئید اموال آب چشم      تا بر شتر نیندد محمل به روز باران  
(همان / ۶۶۲)

به این شدت ناراحت و گویانم و چشمم چون ابر باران زاست و می بارد، ساربان نباید حرکت کند تا متاعش از اشک من خیس شود با اغراق همراه است و در ظاهر چنین کاری غیر ممکن است پس استعاره تمثیلیه دارد.

### نتیجه گیری:

همان طور که ملاحظه شد اصطلاح استعاره ی تمثیلی و تمثیل مانند دیگر اصطلاحات حوزه بلاغت، در بسیاری از کتب بلاغی در هم آمیخته شده است. کاربرد تمثیل در آثار سعدی با چنان ظرافتی همراه است که بسیاری از شگردهایش در استفاده از تمثیل در نوع خود را کم نظیر دانسته اند.

سعدی برای پر بارتر ساختن خود و اظهار مهارت و ابراز تسلط خود بر زبان فارسی از تمثیل و انواع آن ( که استعاره تمثیلیه هم یکی از انواع آن می باشد ) بهره برده است که این نوع کاربرد بلاغی به صورتهای مختلف و شیوه های متنوع و برحسب اقتضای کلام صورت پذیرفته است و با استفاده از تمثیلات و استعاره های تمثیلی در شعر خود بیش از آنکه به جنبه ی ادبی و زیبایی سخن توجه کند

جهت بیان اغراض حکمیانه و پند و اندرز و هشدار دادن استفاده کرده است و در بین شاعران تمثیل پرداز ایران، بیشترین استفاده از تمثیل را داشته است و شاید استعاره ی تمثیلی هم یکی از کارآمدترین ابزارهای بلاغی در شعر سعدی باشد. بررسی اشعارنشان داد که استفاده از تمثیلات به وفور دیده می شود و استفاده از مثل های رایج و بدون تغییر یا با اندک تغییر از بسامد بالایی برخوردار است. سعدی در استفاده از تمثیل در شعرش پیشرو تمثیل پردازان ایران به شمار می رود و از انواع تمثیلات بهره بوده است. استعاره های تمثیلیه در شعر سعدی نسبت به دیگر انواع تمثیل بسامد کمتری دارند اما باید گفت که سعدی در استخدام اینگونه تمثیل دست توانایی دارد.

منابع و ماخذ

۱- قرآن مجید

۲- تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر بن عبدالله (۱۳۷۵). مختصر المعانی، شرح فارسی (کرانه ها)

ج ۳، قم: هجرت

۳- حق شناس، محمدعلی، (۱۳۹۰)، مقالات ادبی، زبان شناختی، تهران: نیلوفر

۴- خطیب رهبر، خلیل، (۱۳۷۱) دیوان عزلیات، تهران: چاپ مهارت، ناشر: مهتاب

۵- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، ج ۵، تهران: (دانشگاه تهران)

۶- رضایی جمکرانی، احمد، (۱۳۹۵)، تشبیه (نظور، تحلیل و نقد)، تهران: مراورید

۷- سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله، (۱۳۸۷)، قم: نسیم حیات.

۸- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، صور خیال در شعر فارسی، نشر تهران: آگه

۹- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۹)، بیان، تهران: فردوسی

۱۰- .....، (۱۳۸۳)، نگاهی تازه به بدیع، چ چهاردهم (ویرایش دوم)

۱۱- .....، (۱۳۹۰)، بیان، ویراست چهارم، تهران: میترا

۱۲- صالح مازندرانی، محمد هادی بن محمد، (۱۳۷۶)، انوار البلاغه، به کوشش محمد علی غلامی

نژاد، تهران: مرکز فرهنگی نشر قبله

۱۳- طباطبایی، محمدرضا، (۱۳۸۶)، هنر بدیع، انتشارات دارالعلم.

۱۴- فندرسکی، میرزا ابوطالب، (۱۳۸۱)، رساله بیان بدیع، تحثیه سیده مریم روضایتان، اصفهان: دفتر

تبلیغات اسلامی

- ۱۵- قاسمی، رضا، (۱۳۸۷)، معانی و بیان تطبیقی: بررسی تطبیقی شانزده کتاب جدید علم معانی و بیان به کوشش رضا قاسمی با مقدمه میرجلال الدین کزازی، تهران: فردوس.
- ۱۶- قاسم زاده، حبیب اله، (۱۳۹۰)، استعاره و شناخت، نشر تهران: کتاب ارجمند.
- ۱۷- کزازی، میرجلال الدین (۱۳۶۸)، زیبایی شناسی سخن پارسی (بیان)، تهران: مرکز نشر.
- ۱۸- گلی، احمد (۱۳۸۷)، بلاغت فارسی (معانی و بیان) تبریز: آیدین
- ۱۹- هاوکس، ترانس (۱۳۷۷) استعارخ (ترجمه) فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.
- ۲۰- همایی، جلال الدین (۱۳۷۴)، متون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، ها
- بررسی تمثیل فشرده در غزلیات حافظ (هنرمند، عشقی سردهی و امیر احمد)
- حکایات تمثیلی در بوستان (پروین تاج بخش)
- تشبیه تمثیل و استعاره تمثیلیه در کتب بلاغی (احمد رضایی جمکرانی، ۱۳۹۴)
- تمثیل و تصویری نو از کارکردهای آن (شیری ۱۳۸۹)

1. The Holy Quran.
2. Dehkhoda, A.A. (1377). Dictionary. (5). Tehran: Tehran University.
3. Ghasemi, R. (2009). Comparative meanings and expression: A comparative study of sixteen new books on semantics and expressions, Ghasemi, R & Kazazi, M (Ed.), Tehran: Ferdowsi.
4. Goli, A. (1387). Persian rhetoric (Meanings and Expressions). Tabriz: Aydin.
5. Fetederseki, M.A. (1381). Resales Bayan Badie Rouzaitan, M. Isfahan: Islamic Publication Center.
6. Ghasemzadeh, H. (1390). Metaphor and knowledge. Tehran Publication, Arjomand book.
7. Haqshenas, M.A. (1390). Literary and linguistic essays. Tehran: Niloufar.
8. Havex, T. (1377). (F. Taheri, Trans.). Tehran: Center Publication.
9. Homaei, J. (1374). Rhetoric texts and literary objects, Tehran: Ha.
10. Kazazi, M. (1368). Aesthetics of Persian speech (Bayan). Tehran: Center Publication. (1st ed.)
11. Khatibrahbar, K. (1371). Divan Ghazaliat. Tehran: Maharaj Publication. Mahtab Press.
12. Mazandarani, S & Bin Mohammad, M.H. (1376). Anvar Al-alagheh, Gholaminejad, M. A. Tehran: Qebleh cultural publication center.
13. Rezaeijamkarani, A. (1395). Simile (View, Analysis, and Criticism). Tehran: Morvarid.
14. Samira S. (1390). Bayan. (4th Ed.). Tehran. Mitra.
15. ----- (1379). Bayan. Tehran: Ferdowsi.
16. Samira, S. (1383). A new look at Badie, (14 Ed.)
17. Shafiei Kadkani, M.R. (1395). Imagination in Persian poetry, Tehran Publication.
18. Saadishirazi, M.A. (1387). Qom: Nasim Hayat.
19. Tabatabaei, M.R. (2006). Rhetoric art, Darouelm Publication. (1st Ed.)
20. Taftazani, S. (1375). Qahz tal-Maani, Persian commentary (Karaneha), (3), Qom: Hejrat.

Analysis of intensive allegory in Hafez's sonnets (Artist, Eshgi Sardehi and Amir Ahmadi)  
Allegorical stories in the garden (Parvin Taj Bakhsh) Simile and metaphor of allegory in  
rhetorical books (Dr. Ahmed Rezaei Jamkarani, 2014)  
An allegory and a new image of its functions (Shiri 2009)